

جایگاه کربلای مقدس

سیده محمد رضا حسینی جلالی*
ترجمه محمد مهدی رضایی

چکیده

کربلا همواره از شهرهای مقدس و مورد توجه شیعیان بوده است؛ ولی شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش در عاشورای سال ۶۱ هجری، تقدس و اهمیت این شهر را چندین برابر کرد؛ به طوری که از آن پس شیعیان سراسر جهان به شهر کربلا و شهیدان به خاک سپرده شده در آن به دیده ستایش و کرنش نگریسته و حتی بر خاک این سرزمین مقدس سجده کرده اند. از بیستم ماه صفر سال ۶۱ هجری که امام سجاد علیه السلام و پس از او جابرین عبدالله انصاری به زیارت تربت سیدالشهدا علیه السلام در کربلا رفتند، این حرم مقدس، قبله‌گاه شیفتگان اهل بیت علیهم السلام شد و این امر، زمینه هجرت فرزندان و محبان خاندان اهل بیت علیهم السلام را فراهم کرد.

در میان این مهاجران به کربلا، گروهی از دانشوران و محدثان شیعی نیز حضور داشتند که به گسترش و معارف اهل بیت: در این شهر می پرداختند.

این نوشتار دربردارنده مطالبی در اهمیت و تقدس شهر کربلا در میان شیعیان است و به موضوعاتی چون دلایل اهمیت کربلا و نخستین زائران آن و نقش امام سجاد علیه السلام پس از واقعه عاشورا پرداخته و در پایان به عالمان شیعی کربلا به ویژه خاندان «آل طعمه» اشاره کرده و ضمن معرفی هشت تن از آنان، برخی از آثارشان را نیز نام برده است.

واژگان کلیدی: کربلا، امام حسین علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، آل طعمه.

*. محقق و استاد حوزه علمیه قم.

نام کربلا در طول تاریخ و بر صفحات کتاب‌های مقدس در ادیان الهی، همواره مذکور و مورد توجه بوده است و در قصه‌های مربوط به پیامبران گذشته، درباره این سرزمین و ستم‌هایی که بر شهدای آن رفته، نقل‌هایی وجود دارد. اما در دوره اسلامی، عنوان کربلا با همه محتوا و مضمون و عظمت خود، به زبانی که قرآن اسباب ماندگاری آن را فراهم کرد، یعنی زبان مبین عربی، بروز و ظهور یافت؛ درحالی‌که زبان‌های پیشین از یاد رفته و کهنه شده بود. کربلا در روایات شریف اسلامی، نمود و جلوه خاصی دارد. در این تعالیم درباره مشاهد و زیارتگاه‌های ایجادشده در کربلای معلا و صاحبان این مزارها و نقش‌ها و فعالیت‌های آنان از آغاز تا آخرالزمان، مطالب بسیاری ذکر شده است. همچنین روایاتی متعدد از پیامبر امین صلی الله علیه و آله به عنوان خبرهای غیبی و آسمانی، در مورد مشاهد کربلا و ماجراهای آن صادر شد که مسلمانان متقی و پارسا، یعنی «همانان که به غیب ایمان می‌آورند»، به آنها باور و یقین پیدا کردند. آن‌گاه پس از گذشت سالیانی چند، در پایان نیمه اول قرن نخست، نشانه‌های آن اخبار آشکار شد و اصل واقعه در نخستین روزهای سال ۶۱ قمری و بعد از گذشت پنجاه سال از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، در سرزمین کربلا به وقوع پیوست.

از آن تاریخ به بعد، حرمت و قداست کربلا بیش از پیش آشکار گردید. همان قداستی که پیامبران از آن سخن گفت و خبرهای آسمانی بدان اشاره داشت و در کتاب‌های مقدس ادیان الهی مذکور بود و سرانجام یکی از نشانه‌های نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و دلایل صدق او، که مؤمنان بدان ایمان داشتند، همین عظمت و قداست بود. مؤمنان همواره به مشاهد کربلا به دیده تحسین و ستایش نگریسته‌اند و خاک آن را مقدس شمرده و مردان خفته در آن خاک را تکریم و تجلیل کرده و کوشیده‌اند تاریخ کربلا را بر صفحات روشن روزگار مضبوط و ماندگار سازند.

در این ماندگارسازی تاریخ کربلا، کسان بسیاری نقش داشته‌اند. هم آنان که مطالب موجود در کتاب‌های مقدس گذشته‌ها را ضبط کردند، هم راویان حدیث در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و

هم آنان که درباره تاریخ تمدن بشر کتاب‌ها تألیف کردند و از واقعه عاشورا یاد آوردند و هم کسانی که در سرزمین کربلا رحل اقامت افکندند و پیش از همه فجایع و وقایع آینده، از اتفاقات و مسائل آن خبر دادند؛ همچون امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام، که هنگام رفتن به «صفین» از کربلا عبور کرد، و نیز صحابی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله سلمان فارسی، و دیگر کسان از راهبان و عالمان یهود و فرزندان حواریون. همه اینها در کتاب‌های حدیث و نیز کتب تاریخ و حوادث که مسلمانان نگاشته‌اند، ثبت و مذکور است.

در آن روزگار که بالاخره با حضور امام حسین علیه السلام در کربلا و رخ دادن آن حوادث هولناک و فاجعه‌بار، خبرهای غیبی و نشانه‌های زمینی و آسمانی به تحقق رسید، شخص حسین بن علی علیه السلام محور و اساس همه آن رویدادها بود و خانواده و نزدیکان و یاران او - که شگفتی‌سازترین مردمان در عرصه محبت و جان‌فشانی و فداکاری و تحمل شدائد و سختی‌های فوق تصور در حمایت از امام و امامت و اسلام متجلی در وجود حضرت بودند - همچون ستارگان پیرامون وی گرد آمدند. عالمان و راویان حدیث و تاریخ‌نگاران تلاش سختی در ثبت این حوادث در مجموعه کتاب‌هایی با عنوان «مقتل الحسین علیه السلام» به کار بستند و هر کدام ثمره تحقیق و بررسی خود در نوشته‌های ناقلین و راویان را، در کتاب‌های خاص تألیفی خود، به یادگار گذاشتند.

اهل بیت امام حسین علیه السلام مهم‌ترین و معتبرترین راویان حادثه کربلا به شمار می‌آیند. هم آنان که از نخستین گام حرکت امام از مکه تا پایان با او همراه بودند؛ از جمله امام علی بن حسین، سجاد زین العابدین علیه السلام که پدر بزرگوارش را در حرکت از مدینه به سوی کربلا همراهی کرد و با او در مبارزه و معرکه قتال شرکت جست و سپس از مجروح شدن، از میدان جنگ بیرون آمد. همچنین امام محمد باقر علیه السلام که در آن روز، چهار ساله بود و بسیاری از مشاهدات و شنیده‌های خود از صحنه کارزار کربلا را روایت کرده است. حسن مثنی نیز از کسانی است که در کربلا حاضر بود و جنگید و مجروح شد و جان سالم به در برد و مطالبی

را از آن واقعه نقل کرده است. در این میان نقل جناب زینب کبری علیها السلام، دخت گرامی امیر مؤمنان علیه السلام، از جریانات کربلا و پس از آن، حوادث اسارت، بسیار مهم، ارزنده و مغتنم است. پس از شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا، دل‌های مشتاق مؤمنان، یکسره متوجه و شیدای او گردید و از همه پیش‌تر و بیشتر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله روی دل به جانب قبر سیدالشهداء علیه السلام کردند و به زیارتش شتافتند. نخستین زائر، امام سجاد علیه السلام بود و به دنبال ایشان، جابر بن عبدالله انصاری و آن‌گاه اجتماع توابین بر سر قبر آن حضرت و حرکت از آنجا برای قیام علیه حاکمیت اموی، با شعار «یا لثارات الحسین علیه السلام».

روایاتی که از ائمه علیهم السلام درباره کربلا به ما رسیده است، هم بر قداست و عظمت و کرامت این سرزمین الهی تأکید دارد و هم پاداش و ثواب بسیار نزد خداوند را به زائران قبر ابا عبدالله علیه السلام مژده می‌دهد؛ چراکه ایشان به زیارت قبر کسی مشرف شده‌اند که فرزند رسول خدا و سرور جوانان بهشتی است.

بلیغ‌ترین سخن و جامع‌ترین کلامی که از عظمت این سرزمین مقدس پرده بر می‌دارد، کلماتی است که بر زبان عقیده بنی‌هاشم، زینب دخت امیر مؤمنان علیها السلام، در خطاب به امام علی بن حسین علیه السلام جاری شده؛ آن‌گاه که دید فرزند برادرش، با مشاهده جنازه پدر و برادران و عموها و عموزاده‌ها و بستگان خود، که در خون غلتیده‌اند و برهنه و بی‌کفن بر ریگ‌های بیابان افتاده‌اند و کسی به آنها توجه نمی‌کند، نزدیک است از شدت بی‌قراری و غصه جان بسپارد، به ایشان عرض کرد:

از آنچه می‌بینی، بی‌تابی مکن! به خدا سوگند، این همان حادثه‌ای است که رسول خدا صلی الله علیه و آله خبرش را با جد و پدر و عموی تو در میان نهاده بود. خداوند را با گروهی از این امت، عهد و پیمانی است با گروهی که فراغنه و حاکمان ستمگر آنها را نمی‌شناسند؛ اما در میان اهل آسمان معروف‌اند. آنها این پیکرهای تکه‌تکه و اجسام آغشته به خون را به خاک می‌سپارند و در این مکان برای قبر پدر بزرگوارت، سیدالشهداء علیه السلام پرچی نصب می‌کنند که از بین نمی‌رود و نشانه‌های آن کهنه نمی‌گردد؛ هر چند که روزان

و شبان بسیاری بر آن بگذرد. پیشوایان کفر و پیروان گمراهی تمام تلاش خود را در محو و نابود کردن این قبر به کار می‌بندند، اما روز به روز بر ظهور و جلوه آن افزوده می‌شود و اعتلا و عظمت بیشتر می‌یابد. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۲۶۱)

همچنین جناب زینب کبری علیها السلام در روایتی به نقل از ام ایمنرضی الله عنها، از رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل علیه السلام چنین روایت کرده است که جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد:

این فرزند تو - یعنی حسین علیه السلام - همراه با جمعی از ذریه و خاندان و برگزیدگان امت، در کنار رود فرات، در زمینی که به آن کربلا گفته می‌شود، کشته خواهد شد، و کربلا، پاک‌ترین جای زمین و با حرمت‌ترین مکانی است که فرزند تو و خاندانش در آن به شهادت می‌رسند. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۲۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۱ق، ج ۴۵، ص ۱۸۱)

وجود این روایت در تعظیم و تکریم کربلا، اهل معرفت و حکمت را مصمم ساخت که به این شهر مقدس رو نمایند و مؤمنان از گوشه گوشه دنیا برای زیارت امام شهید خود، ابی عبدالله الحسین علیه السلام، و شهدای پاکبخته در رکابش، گروه گروه به زیارت بیایند و جمعی از بزرگان به این مرقد شریف پناه بجویند و همجواری با آن را اختیار کنند تا این سرزمین به وجود آنان آباد گردد. در آغاز عده‌ای از علویان و فرزندان ائمه علیهم السلام به این شهر هجرت کردند و این مقدمه‌ای شد برای هجرت‌های پی‌درپی دیگر؛ تا آنجا که کربلا به شهری تبدیل شد که دیری است دوستداران آل محمد و شیعیان اهل بیت علیهم السلام که در میانشان عالمان و محدثان و فقها و ادیبان و شاعران و جهان‌گردان و حاکمان و اعیان و عامه مردم دیده می‌شدند، به آن رفت و آمد می‌کنند و همین امر موجب رونق و شکوفایی شهر کربلا شده است.

در تاریخ کربلا نمونه‌های متعددی از تعرض و هجوم دشمنان دیده می‌شود. با این همه این شهر هنوز شهری است سربلند، باشکوه و دارای عظمت و قداست و تابناکی روز افزون. بی‌شک سرزمین کربلا با این عظمت شأن و تاریخ اصیل و کهن، و قداست نزد دیگر ملل و ادیان، و حوادثی که در آن اتفاق افتاده - به خصوص شهادت امام حسین علیه السلام و وقایع پس از عاشورا - و وجود بزرگان شیعه و حوزه‌های پررونق علمیه در دوره‌های مختلف و عالمان

و مدرسان و طلاب و نویسندگان و ادیبان و شاعران و دیگر انسان‌های شاخص و سرآمد و هنرمندان و عناصر فرهنگی و...، شایسته است تاریخ مفصلی شامل شرح و بسط مواردی که ذکر کردیم، برایش به نگارش در آید تا همچون کتابی مرجع برای محققان و کربلاپژوهشان، مورد استفاده قرار گیرد.

شماری از مورخان و علمای فاضل به این کار اقدام کرده و به معرفی کربلا و روضه مقدس آن پرداخته‌اند. این عده هم از ساکنان کربلا و هم از دیگر شهرها بوده‌اند. اما سهم مجاوران حرم حسینی در این امر مهم از دیگران بیشتر بوده است. به خصوص سادات علوی که در هجرت به کربلا و سکونت در آن نقش بارزی داشته‌اند و تأثیرگذاری‌شان بر فرهنگ این شهر از رهگذر شرافت و منزلت ذاتی آنان و مناصبی که داشتند، همچون سیادت و نقابت و تولیت حرم مقدس، انکار ناشدنی است.

در میان سادات، منسوبان به سید شریف ابراهیم مجاب - که ضریحش در رواق حرم حسینی معروف است - فرزند محمد عابد حائری، فرزند امام موسی بن جعفر کاظم علیه السلام، جایگاه خاص و ممتازی دارند. ایشان توفیق یافتند که طی سالیان متمادی تا سال ۱۴۱۱ق، تولیت دو آستانه مقدس امام حسین علیه السلام و حضرت عباس بن علی علیه السلام را بر عهده بگیرند و آن را برای خود محفوظ بدارند. در میان مردم، به متولیان حرم، کلیدار گفته می‌شد و از این جهت، این سادات به «کلیدار» معروف بودند. از ایشان، خاندان «آل طعمه» به دلیل وجود مردان علم و ادب و فضل و شرف در میانشان، مردمانی برجسته و ممتاز بودند و در قرن‌های چهارده و پانزده قمری، به این فضل و علم و ادب شهرت داشتند. با گسترش صنعت چاپ و نشر، وسعت یافتن کار نوشتن و نشر کتاب، عالمان این خاندان توانستند در تولید آثار و کتاب‌های ارزشمند که از سرچشمه‌های میراث علمی کربلا به شمار می‌رفت، گوی سبقت را از دیگران برابیند و به خصوص در موضوع تاریخ کربلا، آثار گران‌قدری پدید آورند؛ از جمله مؤلف گرامی کتاب **بغیة النبلاء**، جناب علامه سید عبدالحسین آل طعمه الموسوی الکلیدار (۱۲۹۹

- ۱۳۸۰ق). وی پس از پدر گرامی اش، سید علی بن جواد (۱۳۱۸ق) تولیت آستان مقدس حسینی را بر عهده گرفت و با رحلت وی، فرزندش، عبدالصالح ابو علی کلیدار، و پس از او فرزندش، سید عادل از سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۱۱قمری عهदार تولیت شدند.

ویژگی دیگر خاندان طعمه، وجود نویسندگان و محققان در میان آنهاست که درباره کربلا و تاریخ آن تألیفاتی پدید آورده و منتشر کرده‌اند. از جمله:

۱. سید عبدالحسین فرزند سید علی بن جواد (تولد: ۱۳۸ق) صاحب کتاب‌های بغیة النبلاء و تاریخ آل طعمه الموسوین (دست نویس)؛
۲. سید عبدالجواد فرزند سید علی بن جواد (تولد: ۱۹۵۹م) که کتاب تاریخ کربلا و حائر الحسین علیه السلام از اوست و جلد سوم آن چاپ شده است. دیگر کتاب‌های او عبارت‌اند از: تاریخ کربلاء العام (دو جلد، دست نویس)، کربلاء و تاریخ عمران‌ها (دست نویس)، جغرافیه کربلاء لقدمه و بقاعها (دست نویس)، کربلاء مدینه الاسلام الخالده (دست نویس)، سید الشهداء الحسین بن علی علیه السلام (دست نویس)؛
۳. سید محمدرضا، فرزند احمد بن محمدرضا (تولد: ۱۹۴۵م) صاحب کتاب‌های کربلاء و دورها فی ثورة العشرین، و وجوه و شخصیات من کربلاء؛
۴. محمدحسن، فرزند مصطفی بن علی کلیدار (تولد: ۱۴۱۶ق). کتاب مدینه الحسین علیه السلام او مختصر تاریخ کربلاء، در چهار جلد است که یک جلد آن دست نویس است؛
۵. شهید صادق، فرزند محمدرضا بن محمد مهدی آل طعمه کتاب الحركة الادبیه المعاصره فی کربلاء از اوست که در دو جزء، در آستانه حسینی چاپ شده است؛
۶. سید عادل، فرزند عبدالصالح بن عبدالحسین آل طعمه (تولد: ۱۹۴۱م) صاحب کتاب کربلاء فی العهد المغولی الایلخانی که یک فصل از آن در مجله الاقلام بغداد چاپ شده است؛
۷. سید عبدالرزاق فرزند عبدالوهاب آل طعمه، صاحب کتاب کربلاء فی التاریخ؛
۸. سید سلمان هادی، فرزند محمد مهدی (تولد: ۱۹۳۵م)؛ و....

در میان این مؤلفان، جناب سید سلمان هادی آل طعمه، تألیفات بیشتری، از جهت تعداد و موضوعات، درباره کربلا از خود بر جای گذاشته است که بالغ بر ده‌ها جلد می‌شود و تاکنون پنجاه عنوان از آنها چاپ و منتشر شده است. عناوین این تألیفات چنان گسترده است که فهرستی به این بلندی را درباره کربلا در بر می‌گیرد: تاریخ، فرهنگ، تمدن، بزرگان، هنرمندان، صنایع، مدارس، مراکز علمی، ناشران، چاپ‌خانه‌های عمومی و خصوصی، عالمان دینی، ادیبان، شعرا، بانوان شاعر، حرکات و انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی، حوادث، اجتماعات، مساجد، مقبره‌ها، اشعاری که در قدیم و جدید برای کربلا سروده شده است و دیگر مسائل مربوط به کربلای مقدس. از این رو دوست می‌دارم ایشان را، به دلیل امتیازات و لیاقت‌هایی که از خود بروز داده است، «فرزند نکوکار کربلا» لقب دهم. همچنان که از جهت ارتباط و وثیق با دانشمندان و عالمان دینی در کربلا، نجف، قم، دیگر مراکز علم و حوزه‌های علمی و کسب اجازه‌های روایت حدیث از بسیاری از آنها، چهره‌ای ممتاز به شمار می‌آید.

این شخصیت علمی و بزرگ به هر شهر و منطقه‌ای مسافرت می‌کند، می‌کوشد فرهنگ و تمدن کربلا و نگاه‌های مربوط به آن را معرفی کند. از این رو، همگان او را فردی اهل کربلا، با فرهنگ، مذهب، ادیب و تاریخ‌دان می‌شناسند و در مجامع علمی و کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های فرهنگی در سراسر دنیا شهرت بسزایی دارد. خداوند او را عمر طولانی و توفیق بر ادامه فعالیت‌های موفق علمی عنایت فرماید. این همه آن چیزی بود که درباره کربلا و تقدس آن و درباره کسانی که در جهت جاودانه ساختن نام کربلا سعی و کوشش کرده‌اند، به ذهن بنده خطور کرد.

منابع و مأخذ

۱. ابن قولویه (۱۳۵۶ق)، کامل الزیارات، نجف، مرتضوی.
۲. مجلسی (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء.